در صفحه ۱۲ بخوانید...
■ ریختن اسید روی معشوق را درک نمی‌کنم | فریدون آسرایی
■ ظاهر بینی ممنوع | قدمعلی سرامی
■ زندگی‌هایی پر از... | فرهاد توحیدی
■ ...

۱۱-۱۰

در گفت‌وگو با رضا صمیم مطرح شد

شناخت ابعاد جامعه‌شناسانه فعالیت‌های داوطلبانه

مهم‌ترین عاملی که از نظر جامعه‌شناسی افراد را از شرکت در کنش‌های داوطلبانه بازمی‌دارد، مشخص نبودن وضع مقاصد غیرفردی برای تنظیم کنش است. یعنی زمانی که افراد برای رفع حوایج شخصی به سازمان دادن یک تعامل اجتماعی اقدام می‌کنند، این کنش، داوطلبانه نیست، اما زمانی که مقاصد شخصی برای تنظیم کنش، کلاً آنیست، باید به بنیان‌های کنش داوطلبانه در شکل مدرن، پایبند باشند. باید به بنیان‌های کنش داوطلبانه در شکل سنتی...

پای درد دل بهرام عکاشه، پدر زلزله‌شناسی ایران

باید عجله کنیم دارد دیر می‌شود

نیم قرن فریاد می‌زنم

به نظر من برای شهر تهران و شهرهایی که بدون حساب و کتاب در حال بزرگ شدن هستند، اقدامات انجام شده، فوق‌العاده منفی است. ما باید سعی کنیم شهرها را بدون طرح و برنامه بزرگ نکنیم و اگر نیازی به گسترش وجود دارد، شهرک‌هایی را در نزدیکی شهرهای بزرگ تدارک ببینیم. اگر دقیق شویم، می‌بینیم در کوچه‌های باریک، ساختمان‌های بلندمرتبه ساخته شده و همان طور این ساخت و سازها ادامه دارد. معلوم نیست اگر زلزله‌ای رخ دهد، چه اتفاقی خواهد افتاد.

من داد و فریاد سر زیاد زدم. خوشبختانه همین داد و فریادها به تأسیس ستاد بحران انجامید اما هنوز اول کار هستیم تا این موضوعاتی که من مطرح کردم عملی بشود. به چند دهه زمان نیاز داریم. اما باید بیشتر عجله کنیم دارد دیر می‌شود. مگر یادتان نیست زلزله بم؟! چرا یک زلزله ۶ و چند دهم ریشتری چند ده هزار کشته گرفت؟ چرا در ژاپن زلزله ۶ ریشتری بیشتری ۶ نفر را بیشتر زخمی نمی‌کند باید کشورهای دیگر را پیش رو قرار دهیم و از آنها درس بگیریم برویم آلمان را ببینید. فوق‌العاده مدرن است.

سوال می‌کنم از خودم و شما چرا کشور سوییس که در آب واقع شده و با آن جمعیت برای زلزله کشته نمی‌دهد، چرا جنوب آلمان که بسیار زلزله‌خیز است برای زلزله کشته نمی‌دهد؟ چرا بم ما یا شهرهای دیگر ما وقتی زلزله می‌آید تلفات سنگین می‌دهد.

نقش کمرنگ سازمان‌های مردم‌نهاد در مدیریت بحران‌های زیستی
صفحه ۱۱

آموزش؛ راه کاهش اثرات بحران بر کودکان
صفحه ۱۰

بحران، بدون مردم مدیریت نمی‌شود

ایمان موحدی | جامعه‌شناس

بلایا و حوادث طبیعی از جمله مواردی‌اند که هر ساله منجر به مرگ هزاران انسان می‌شود. سیل، آتشفشان، خشکسالی، زلزله، گردباد، طوفان‌های سهمگین و حوادث مشابه آن در نقاط مختلف جهان به‌خصوص در ایران هر از گاهی جان بسیاری از شهروندان را می‌گیرد. در این میان مدیریت بحران چه پیش و چه پس از وقوع این حوادث، تدبیری استراتژیک را از سوی دولت و سازمان‌های مردم‌نهاد می‌طلبد تا آسیب‌های ناشی از حوادث غیرمترقبه به کمترین میزان برسد.

حوادث و بلایای طبیعی در بیشتر نقاط جهان رخ می‌دهد و اروپا، آسیا و آمریکا نمی‌شناسد، اما متاسفانه کشورهای درحال توسعه بیش از همه، از آثار بلاهای طبیعی رنج می‌برند و آمار مرگ‌ومیر در این کشورها، بیش از کشورهای توسعه‌یافته است. بیشتر این کشورها فاقد سیستم هشدار دهنده بوده، سازمان‌های دفاع غیرنظامی آنها نیاز به تقویت دارد و اقتصاد شکننده‌شان به آنها توانایی کافی برای ایستادگی در مقابل بار مالی عظیم خسارات ناشی از این حوادث را نمی‌دهد. باید توجه داشته باشیم یک حادثه طبیعی ناگوار، زمانی تبدیل به یک بلای طبیعی و بحران ناشی از آن خواهد شد که تلفات و خسارات سنگین به جوامع و فعالیت‌های انسانی تحمیل کند. بلاهای طبیعی علاوه‌بر داشتن اجزای تشکیل دهنده‌ای که علوم طبیعی به آن می‌پردازند، دارای جنبه‌های اجتماعی نیز هست. با این حساب اگر چه نمی‌توان از وقوع آنها جلوگیری کرد، اما می‌توان آثار و عواقب فاجعه‌آمیز آنها را به کمک برنامه‌ریزی‌های قبلی و آمادگی برای انجام اقدامات اضطراری کاهش داد. امروزه انسان با بهره‌گیری از فناوری‌های موجود و با شناخت بیشتر از محیط اطراف خود، توانسته است از ابعاد روزافزون خسارات ناشی از بلایای طبیعی مانند: طوفان، سیل، یخبندان، آتش‌سوزی جنگل‌ها و خشکسالی بکاهد.

کشور ما از جمله کشورهای حادثه‌خیز جهان است و در معرض انواع و اقسام حوادث و مخاطرات طبیعی و غیرطبیعی قرار دارد. زلزله بم که پنجم دی‌ماه ۱۳۸۳ به وقوع پیوست و جان چند ۱۰ هزار انسان را گرفت، از نمونه‌های حوادث عمیق و با گستردگی بالا است. زلزله‌های پیشین همچون طبس، بوین‌زهرا، رودبار، بیرجند، اردبیل، ایذه و... موجب شد، تا برنامه‌ریزی‌ها برای مدیریت بحران با دقت نظر و حساسیت بیشتری پیگیری شود و شتاب بیشتری به خود گیرد.

برای مدیریت بحران ناشی از این حوادث، تاکنون سازمان‌های متعددی، چه دولتی و چه غیردولتی، تأسیس شده‌اند و داخل سازمان‌های ذیربط نیز مجموعه‌های وابسته‌ای با تأسیس شدند، با در شرح وظایف سازمانی خود به گونه‌ای تجدیدنظر کرده‌اند که از عهده مأموریت محوله که به سازمانی ساختن امر مدیریت بحران کشور می‌پردازد، برآیند.

بسیاری از کارشناسان در امور مدیریت بحران، معتقدند: «با وجود تلاش‌های مستمر دست‌اندرکاران مدیریت بحران طی سال‌های اخیر، اما به همه ابعاد آن توجه شایسته‌ای صورت نگرفته است. به‌خصوص آن دسته از آسیب‌های ناشی از این حوادث که ماهیت فرهنگی و اجتماعی دارند، به شدت نادیده گرفته شده و برای کنترل آن، اقدام پیشگیرانه و مدیرانه‌ای صورت نگرفته است».

ضروری است افرادی که در سطوح مختلف تصمیم‌گیری، سیاست‌گذاری برنامه‌ریزی و اجرا مسئولیت مستقیم دارند با موضوع، شیوه‌ها و راهکارهای کلی شناخت و روش‌های تدبیرگرایانه مقابله با بحران، آشنا بوده و آمادگی‌های لازم را برای رویارویی با هر نوع بحران، داشته باشند و به تبع آن، مردم را آگاه ساخته تا بتوانند در مقابله با بحران‌ها، راهکار درستی را پیشه کنند

این موضوع از این جهت حایز اهمیت است که امروزه برنامه‌ریزی براساس پارامترهای فرهنگی و اجتماعی از شاخص‌های بسیار مهم مدیریت نوین حوادث طبیعی است و در کلیه حوزه‌های مدیریت بحران؛ چه در حوزه پشتیبانی، چه امدادرسانی و چه پیشگیری و بازتوانی و... منظر دست‌اندرکاران و برنامه‌ریزان قرار دارد.

بی‌توجهی حوزه مدیریت بحران به عوامل فرهنگی و اجتماعی در برنامه‌ریزی‌های مربوطه، تاکنون، آسیب‌های جبران ناپذیری در جامعه آسیب‌دیده ایجاد کرده است، مهم‌ترین آسیبی که تاکنون از بلایای طبیعی به ساختار اقتصادی و اجتماعی کشور وارد شده است، محصول بی‌اطلاعی مردم از نحوه برخورد با حوادث، قبل و بعد از آن است.

متاسفانه تاکنون سازمان یا نهاد خاصی مسئولیت آموزش و بالابردن سطح آگاهی مردم را نسبت به وقوع و نحوه برخورد با حوادث را برعهده نگرفته است. در حال حاضر مردم در بی‌خبری و بی‌اطلاعی از وقوع بحران‌ها و حوادث به سر می‌برند زیرا تا آموزش مستمر نباشد و مانورهای مردمی در شهر و روستاها برگزار نشود، مردم نمی‌توانند درک و شناخت درستی درباره وقوع و نحوه برخورد با بلایای طبیعی، داشته باشند. از این رو شناخت و درکی که شهروندان می‌توانستند از بحران داشته باشند، متاثر از حدود و میزان تهدیدی است که از محیط خود احساس می‌کنند و طبیعتاً هر چه بینش و آمادگی بیشتری در مواجهه با شرایط پیش آمده به وجود آید، نشان‌دهنده آن است که نسبت به جهت و میزان تهدید مزبور شناخت و ادراک درست و کامل‌تری ایجاد می‌شود. اما با نگاهی به نحوه برخورد سازمان‌ها و نهادهای دولتی و مردمی به موضوع بحران‌های طبیعی و زیستی، به این نکته می‌رسیم که ما مدیران پس از وقوع هستیم و توان این سو، مدیریت را شهروندان با جان و مال خود می‌پردازند. در شرایطی که می‌تواند پیشگیری و مدیریت صحیح بحران‌ها با همکاری خود مردم مسیر درستی را دنبال کند، شاهد بی‌توجهی مدیران، به سازماندهی منسجم و مستمر برای افزایش توان ملی و مردمی در برابر حوادث هستیم.

تاکنون سازمان یا نهاد خاصی مسئولیت آموزش و بالابردن سطح آگاهی مردم را نسبت به وقوع و نحوه برخورد با حوادث، بر عهده نگرفته است. در حال حاضر مردم در بی‌خبری و بی‌اطلاعی از وقوع بحران‌ها و حوادث به سر می‌برند زیرا تا آموزش مستمر نباشد و مانورهای مردمی در شهر و روستاها برگزار نشود، مردم نمی‌توانند درک و شناخت درستی درباره وقوع و نحوه برخورد با بلایای طبیعی داشته باشند

بنابراین چنان که پیداست تدبیر و اداره بحران و به‌طور خاص بحث مدیریت بحران بر این اساس مطرح شده و ضرورت می‌یابد و درواقع منظور از مدیریت بحران آموختن و بکارگیری شیوه‌ها و ابزارهایی است که ما را در شرایط بحرانی یاری و زمینه‌های مناسبی ایجاد کرده است تا با ممارست و افزایش بینش، ظرفیت و توان چاره‌جویی با درک صحیح از پدیده عارض شده، قدرت برقراری ارتباط منطقی بین مولفه‌ها و متغیرهای موثر در تکوین و ظهور بحران را داشته باشیم تا با کنترل به موقع بتوان بر اوضاع مسلط شد.

البته توقع بی‌جایی است اگر انتظار داشته باشیم تا همه افراد جامعه از هر سطح و قشری، با شیوه‌های علمی مدیریت مواجهه و مقابله با بحران و تشخیص زمینه‌ها و علل بروز آن، آشنا باشند.

اما ضروری است افرادی که در سطوح مختلف تصمیم‌گیری، سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرا، مسئولیت مستقیم دارند با موضوع، شیوه‌ها و راهکارهای کلی شناخت و روش‌های تدبیرگرایانه مقابله با بحران، آشنا بوده و آمادگی‌های لازم را برای رویارویی با هر نوع بحران، داشته باشند و به تبع آن، مردم را آگاه ساخته تا بتوانند در مقابله با بحران‌ها، راهکار درستی را پیشه کنند.

برای آن‌که روند برنامه‌ریزی و مدیریت راهبردی بحران‌ها با مشارکت مردم در حوزه شهروندی به درستی به وقوع بپیوندد، موارد زیر پیشنهاد می‌شود:

۱- بررسی نقش سازمان‌های غیردولتی در مدیریت بحران

۲- مکانیابی اماکن اسکان موقت به منظور مدیریت حوادث غیرمترقبه با بکارگیری سیستم‌های اطلاعات مکانی (GIS) هوشمند

۳- بکارگیری مستمر مدیریت سنتی و مجازی در تمامی بحران‌ها و روشن ساختن زوایای آن برای عموم

۴- ماهیت شناسی نظم در حوادث غیرمترقبه طبیعی

۵- اجرای طرح جامع مدیریت حوادث غیرمترقبه از سوی تمامی سازمان‌ها و با مشارکت مستمر نهادهای مردمی

۶- بررنگ ساختن نقش آموزش همگانی در امداد و نجات برای عموم و بکارگیری داوطلبان مردم برای اجرای برنامه‌های مقابله با بحران

۷- بررسی نگرش و میزان آشنایی مردم درباره نقش و اهمیت کمک‌های اولیه و یاری رساندن به مصدومان برای کاهش خسارت‌های ناشی از حوادث طبیعی

۸- طراحی و پیاده‌سازی سیستم اطلاعات مکانی همراه، برای مدیریت بحران

۹- کاربرد فناوری اطلاعات (IT) در مدیریت حوادث طبیعی

۱۰- توجه به نقش مدارس و مراکز آموزشی برای بالابردن سطح عمومی اطلاعات مردم در برخورد با بحران‌ها...

یادداشت

همزیستی مسالمت‌آمیز با بحران‌ها

مهراب شریفی‌سده
مدرس موسسه آموزش عالی هلال ایران

در جهان امروز جوامع با مخاطرات گوناگونی روبه‌رو بوده و اتخاذ تدابیر مناسب برای رویارویی با این خطرات اهمیتی ویژه یافته است به گونه‌ای که اکنون در جهان مدرن ما شاهد گذار از جوامع آسیب‌پذیر به جوامع ایمن هستیم. جامعه ایمن، جامعه‌ای است که مخاطرات پیرامون خود را به‌خوبی می‌شناسد، راه‌های رویارویی و هماوردی با آن را می‌داند و از پیش آمادگی‌های لازم را کسب کرده و توانمندی‌های خود را بهبود بخشیده است، همچنین با تدابیر پیشگیرانه و کاهش‌دهنده خطر از پیامدهای نامطلوب سانحه به‌شدت کاسته است. سازمان ملل متحد به‌عنوان سازمانی با مسئولیت بین‌المللی با هدف کاهش خطر سوانح و حوادث، راهبردها و سیاست‌های کلاسی را به کشورهای عضو پیشنهاد کرده است.

کنفرانس جهانی کاهش خطرپذیری بحران از تاریخ ۱۱ تا ۲۲ ژانویه ۲۰۰۲ در شهر کوبه، استان هیوگوی ژاپن برگزار و چارچوب کاری برای سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۲ در این کنفرانس مصوب شد. ایجاد برگشت‌پذیری و تاب‌آوری لازم ملل و جوامع در برابر بحران‌ها که من‌بعد تحت‌عنوان چارچوب کاری برای اجرا نامیده می‌شود. این کنفرانس فرصتی برابر به‌منظور حمایت و ترغیب از رویکردی نظام‌مند و راهبردی برای کاهش، آسیب‌پذیری‌ها و خطرپذیری‌ها در مواجهه با خطر فراهم آورد. این گردهمایی نیاز و همچنین راه‌های ایجاد برگشت‌پذیری و تاب‌آوری ملل و جوامع در مواجهه با بحران‌ها را مورد تأکید قرار داد. همچنین راهبرد یوکوهاما برای جهانی ایمن‌تر شامل دستورالعمل‌هایی جهت پیشگیری، آمادگی و کاهش اثرات است.

جامعه ایمن، جامعه‌ای است که مخاطرات پیرامون خود را به‌خوبی می‌شناسد، راه‌های رویارویی و هماوردی با آن را می‌داند و از پیش آمادگی‌های لازم را کسب کرده و توانمندی‌های خود را بهبود بخشیده است، همچنین با تدابیر پیشگیرانه و کاهش‌دهنده خطر از پیامدهای نامطلوب سانحه به‌شدت کاسته است

کنش‌های آمادگی مردم بیشتر دربردارنده اقدامات آموزشی است. فرآیند آمادگی مردم بایستی به آمادگی جامعه انجامیده و رسیدن به هدف مطلوب که همان «جامعه آماده» است، آرمان اصلی همه سازمان‌های مدیریت سوانح است.

به‌طور کلی کنش‌های آمادگی دربردارنده اقدامات زیر است:

- پیش‌بینی وقوع حادثه و در حد امکان جلوگیری از به‌وقوع پیوستن آن
- کاهش تماس و برخورد با جمعیت درمعرض خطر
- ایجاد و شبیه‌سازی حادثه و بالابردن واکنش به آن.

تمام تلاش کنشگران عرصه مدیریت سوانح توانمندسازی جوامع و قادر ساختن آنها برای تاب‌آوری هرچه بیشتر در برابر خطراتی است که آنان را تهدید می‌کند.

حیطه‌های اصلی در توانمندسازی (افزایش تاب‌آوری) جوامع عبارتند:

۱- اقدامات حاکمیتی
۲- ارزیابی خطرپذیری
۳- توسعه دانش و آموزش
۴- مدیریت خطرپذیری و کاهش آسیب‌پذیری
۵- آمادگی و پاسخگویی

آنچه در این نوشتار در پی دستیابی به آنیم، یافتن و نشان دادن راه‌هایی برای آماده‌سازی مردم و توانمندسازی آنان است. ما در پی آنیم که جامعه ما به درک درستی از مخاطرات دست یافته و تدابیر بهتری اتخاذ کرده و رفتارهای بهنجارتری از خود بروز دهد و با مخاطرات سازگاری بیشتری یافته و حتی راه‌های همزیستی مسالمت‌آمیزتری با آنها را برگزیند، همان‌گونه که همزیستی جامعه ژاپن با زمین‌لرزه، امروز مسالمت‌آمیزتر از گذشته است!

ادامه در صفحه ۱۰